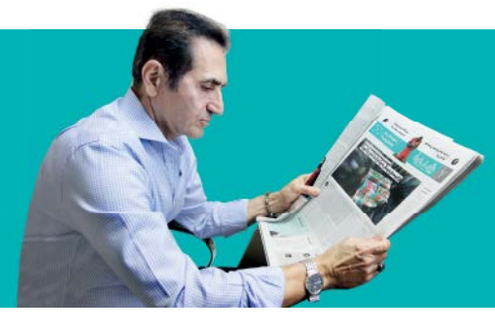

واقعه

یادی از خالق کاریکلماتور

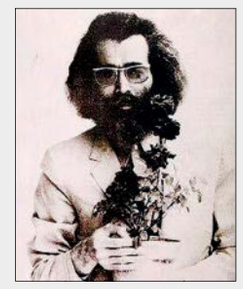

۱۵ مرداد سالروز درگذشت پرویز شاپور است

نام پرویز شاپور با نام کاریکلماتور گره خورده است. کلمه‌ای مرکب از کاریکاتور و کلمه که نخستین بار احمد شاملو این عنوان را بر نوشته‌های کوتاه شاپور نهاد. تولد کاریکلماتور در ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو بود.

از سال ۱۳۳۷ به بعد در مجله توفیق با اسم مستعار «کامی»، «کامیار» و «مهدخت» مطلب می‌نوشت. پس از آن در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو که در دهه ۴۰ شمسی چاپ می‌شد، به فعالیت پرداخت.

کاریکلماتورها نوشته‌های کوتاه و نغزی بودند که در آنها نکته‌ای با نگاه تازه عمدتا از دریچه طنز بیان می‌شد.

برای مثال در دوره‌ای که پرویز شاپور به نوشتن کاریکلماتور مبادرت ورزید، استاد سعید نفیسی نیز چهره شناخته شده دانشگاهیان در حوزه تاریخ و ادبیات بود.

در آن دوره کتاب‌های زیادی با مقدمه نفیسی در بازار موجود بود. از دواوین شاعران مختلف گرفته تا تذکره‌ها و متون کهن با نثرهای مسجع و سخت‌خوان. نفیسی در زمان حیاتش برای چند صد کتاب مقدمه نوشت تا جایی که به سوژه شوخی طنازانی مثل پرویز شاپور بدل شد.

شاپور در مجموعه شوخی‌هایش با سنگ قبر نوشت: «سنگ قبری دیدم که رویش نوشته بود، با مقدمه دکتر سعید نفیسی!»

در سالمرگ شاپور بد نیست چندتا از این کاریکلماتورها را باهم بخوانیم:

- زندگی بدون آب از گلوی ماهی پایین نمی‌رود.
- جارو، شکم خالی سطل زباله را پر می‌کند.
- فواره و قوه جاذبه از سربه‌سر گذاشتن هم سیر نمی‌شوند.
- باغبان وقتی دید باران قبول زحمت کرده، به آبپاش مرخصی داد.
- فاصله بین دو باران را سکوت ناودان پر می‌کند.
- فریاد زندگی در سکوت گورستان ته‌نشین می‌شود.
- همه مردم جهان به یک زبان سکوت می‌کنند.

زیارت جامعه کبیره از مشهورترین زیارت‌نامه‌هایی است که از امام هادی(ع) نقل شده است. نگاهی به این زیارت و اهمیت آن انداخته‌ایم

شما بهانه بارانید

پیمان طالبی

ادبیات و هنر

ماجرا از اینجا شروع شد که چندسال پیش برای اولین بار با هم‌دانشگاهی‌ها به سفر مشهد رفتیم و شبی در حرم حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) نشسته بودیم و هرکس سرش گرم کاری بود. یکی مشغول قرائت قرآن بود، دیگری برای امواتش نماز می‌خواند و یکی دیگر با هندزفری‌اش صدایی را در گوشی موبایلش گوش می‌کرد و اشک می‌ریخت. وقتی نماز عشایم تمام شد، نگاهم به بغل دستی‌ام افتاد که با شوق زیارت‌نامه‌ای را می‌خواند و به پهنای صورت اشک می‌ریخت.

کمی خودم را به او نزدیک‌تر کردم و عنوان زیارتی که می‌خواند را از حاشیه بالای صفحه خواندم: «زیارت جامعه کبیره» کنجکاو شدم که بدانم درونمایه و محتوای این زیارت‌نامه چیست که این‌قدر حال دوستم را خوش کرده و ابرهای چشمانش را به بارانی، مهمان. آن شب را تا نزدیک صبح در حرم امام هشتم با هم «جامعه کبیره» خواندیم و درباره مفاهیمش حرف زدیم. خندیدیم و گریه کردیم و آخرش به این اندیشیدیم که امام الرئوف عجب سفره‌ای برایمان پهن کرده‌است!

زیارت جامعه کبیره یادگاری است از امام هادی(ع) که درس‌های بزرگی در آن نهفته است. در ایام ولادت امام هادی(ع) مناسب دیدیم که درباره این زیارت‌نامه و اهمیت آن گزارشی تهیه کنیم. راستی حرف امام رضا(ع) شد. ان‌شاءا... به‌زودی همه با هم در حرمش جامعه کبیره بخوانیم.

سند زیارت

زیارت جامعه کبیره برای اولین‌بار توسط شیخ صدوق روایت شده‌است. این زیارت در دو کتاب مرحوم شیخ صدوق یعنی «من لایحضره الفقیه» (ج۲، ص۶۰۹) و «عیون اخبار الرضا» (ج۲، ص۲۷۲) نقل شده و مرحوم شیخ طوسی نیز در «التهذیب» (ج۶، ص۹۵) از ایشان نقل کرده است. این دو کتاب از چهار کتاب اصلی شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار، التهذیب) است. نقل این زیارت از دو عالم طراز اول شیعه در دو کتاب مهم، بیانگر عظمت این زیارت و توجه علما به آن است. البته این را نیز باید گفت که علما معتقدند زیارت جامعه کبیره از حیث محتوا چنان بلندمرتبه است که صدور این محتوای رفیع خود صادر شدن آن از معصوم را قطعی می‌کند و هرچند که بررسی سندی در این رابطه نیز صورت گرفته‌است، اما در مورد این زیارت نیازی به بررسی سندی نیست. شیخ صدوق در مقدمه کتاب «من لا یحضره الفقیه» می‌گوید: من مطابق روایاتی که در این کتاب آورده‌ام، فتوا می‌دهم و آنها را بین خود و خدای خود حجت می‌دانم و جمیع آنچه در این کتاب است از کتب مشهور که به مرجع بوده و به آنها اعتماد می‌شده، استخراج شده‌است.

وجه تسمیه زیارت

یکی از اصحاب امام هادی(ع) از آن حضرت تقاضا کرد کلمات فصیحه و بلیغه‌ای را بر او املا فرماید که بتواند به‌وسیله آنها همه ائمه را زیارت کند. امام هادی(ع) در پاسخ به این درخواست، زیارت جامعه کبیره را تعلیم داد و آن صحابی یادداشت کرد.

این زیارت را به آن دلیل «جامعه» نامیده‌اند که:

الف) جامع یك سلسله کلمات فصیح و بلیغ در کمالات و مناقب ائمه اطهار است.

ب) با این زیارت همه ائمه را می‌توان زیارت کرد.

در اهمیت این زیارت همین بس که علی‌الظاهر شخصی که خدمت امام عصر(عج) تشرف یافته بود نقل می‌کند حضرت فرمود: جامعه، جامعه، جامعه!

علامه مجلسی اول که این زیارت را شرح داده، می‌گوید: چندسالی که در عتبات عراق مشرف بودم، ائمه معصومین(ع) را جز با «جامعه کبیره» زیارت نکردم.

دیدگاه بزرگان درباره زیارت

علامه مجلسی درباره درستی سند و متن زیارت جامعه می‌گوید: «انها اصح الزیارات سندا وافصحها لفظا وابلغها معنی».

این زیارت از نظر سند صحیح‌ترین، از جهت لفظ فصیح‌ترین و به حسب معنی بلیغ‌ترین زیارت‌هاست.

مرحوم شیخ حر عاملی، صاحب کتاب شریف وسائل‌الشیعه نیز به صحت سند زیارت جامعه تصریح دارد و می‌نویسد:

باب نهم پیرامون پاره‌ای از احادیث مورد اعتمادی است که در رابطه با وقوع رجعت یك عده از شیعیان و غیر آنهاست و روایاتی که دلالت بر امکان رجعت دارد. احادیث در این‌باره فراوان است... روایت اول را شیخ صدوق(ره) در کتاب من لا یحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا(ع) و شیخ طوسی (ره) در کتاب التهذیب با سندهایشان که یکی از آنها روایت صحیح از موسی بن عمران نخعی از امام هادی(ع) است...»

چندنکته درباب محتوای زیارت

این زیارت عارفانه که انشا و گفتار امام هادی(ع) نسبت به سایر امامان(ع) است از زیبایی‌های خاصی برخوردار می‌باشد. در این زیارت که آن را به حق می‌توان ارادتنامه نامید، حضرت به بیش از ۲۰۰ فضیلت و منقبت از اهل بیت(ع) اشاره می‌کند که با در نظرگرفتن این فضیلت‌ها در کنار سایر معارف، اهمیت این عرفان‌نامه برهمگان آشکار می‌گردد:

- اولین ویژگی این زیارت آن است که امام(ع) ما را با آداب سخن گفتن با امام آشنا می‌کند که نخست با سلام و درود بر آن امام شروع می‌شود و پس از برشمردن برخی مناقب و اوصاف او، با جمله «و رحمت‌ا... و برکاته» به پایان می‌رسد. در این ارادتنامه، امام(ع) به رابطه امامان(ع) با خداوند اشاره کرده و به جایگاه خدا در نظر امامان معصوم(ع) پرداخته‌است.

امام به عملکرد معصومین(ع) در برابر دین خدا و اجرای تعهد و میثاقی که داشته‌اند اشاره می‌کند.

- بیان دیگر امام هادی(ع) این است که حق، همراه امامان است و هرگز از آنان جداشدنی نیست و هرکه از آنان دور شود گمراه خواهد شد.
- امام با اشاره به جایگاه رفیع امامان(ع) در اسلام و مسلمانان، تصریح می‌کند که آنان شاهراه و راه راست و گواهان در دین و آن امانتی هستند که حفظش بر مردم واجب است.
- در این زیارت امام(ع) با بیان شیرین به ما تعلیم می‌دهد که در محضر ائمه به فضل و رتبه و مقام رفیع و حق عظیم‌شان اعتراف کنیم.
- براساس مضمون این زیارت ما باید آمادگی خود را جهت دفاع از امامان نشان دهیم.
- امام در این زیارت به نکته بسیار مهمی اشاره می‌کند و آن این که تمام اعمال به پیروی از امامان مقبول می‌افتد و ده‌ها نکته دیگر که هر خواننده را به حیرت وا می‌دارد.

از زبان استاد فاطمی‌نیا

«زیارت جامعه کبیره» کلمات عجیبی است. بدون اغراق به شما عرض بکنم که تمام کلماتی که ما در متون در مورد امام‌شناسی داریم، لااقل می‌توانیم بگوییم که این زیارت مکمل آنهاست. اگر این زیارت نباشد، واقعا خیلی از مقامات ائمه را ما متوجه نمی‌شویم. زیارت جامعه کبیره کلماتی دارد که بنده به آنها واقف نیستم و فقط نقل‌قول می‌کنم. خدا کند که همه ما محرم این حرف‌ها بشویم. اینها کلماتشان مثل قرآن است. در قرآن می‌گوید: «لا یَمَسُّهُ الاّ المُطَهَّرُونَ». باید طهارت باطنی باشد تا آدم این کلمات را متوجه شود. می‌خواهم این‌طور بگویم که اگر بعضی از فرازهای جامعه کبیره را کسی بفهمد، ممکن است وجودش منشأ خوارق عادات بشود. «أنتُم الصِّراطُ الأقْوَم و السّبیل الأعْظم و شُهَداءُ دارِ الْفَناءِ و شُفَعاءُ دارِ الْبَقاءِ و الرَّحْمَةِ الْمَوصُولَة» اینجا رحمت موصوله را اگر کسی بفهمد، دیگر اصلاً همه چیز حل می‌شود.

ائمه نتوانستند همه چیز را بگویند. هر وقت می‌بینید یك کسی دشمنی می‌کند، این دشمنی به جهل و عدم شناخت و شناخت ناقص او برمی‌گردد. اگر آدم اینها را بشناسد، نمی‌تواند دشمنی کند. شما ملاحظه بفرمایید که ائمه حتی بین دوستانشان هم تقیه کردند و بعضی چیزها را نگفتند. حضرت سجاد(ع) می‌فرماید که اگر من بعضی چیزها را به این مردم بگویم، من را به بت‌پرستی متهم می‌کنند. در زیارت جامعه کبیره هم خیلی چیزها را در یك قالب‌هایی گفته‌اند که به دست اهلش برسد. اگر هیچ چیز نمی‌گفتند، ما خیلی محروم می‌شدیم. بنابراین باید یك چیزهایی را بگویند ولو سربسته که به دست اهلش برسد. یك استادی داشتم که می‌فرمودند: «پرده از جمال ائمه برداشته نشد؛ به‌خصوص از حضرت جواد، حضرت هادی و حضرت عسکری(ع)». فلسفه زیارت جامعه به این دلیل بود که لازم بود شیعه تکانی بخورد. شوخی نیست که: «خَلَقَکم ا... أنواراً فَجَعَلَکم بِعَرْشِهِ مُحدِقینَ»

عطف

یادداشت

حمید نورشمسی

روزنامه‌نگار

درد کتاب، بی‌میلی به خوانش است، نه یارانه

در خبرها آمده بود تازه‌ترین طرح حمایتی فروش کتاب با عنوان تابستانه کتاب از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست اجرا قرار گرفته است. طرحی که همانند دوره‌های قبلی برگزاری خود قرار است یارانه‌ای برای فروش کتاب به کتابفروشان اختصاص دهد و آنها نیز با تخفیف کتاب را به مخاطب عرضه کنند. در واقع در این گونه طرح‌ها کتاب با تخفیف و یارانه‌ای که دولت تقبل می‌کند به دست مخاطب می‌رسد و این اتفاق از رهگذر کتابفروشی‌ها صورت می‌پذیرد.

این اتفاق همانند تمام اتفاقات این‌چنینی که به صورت فصلی طی سال‌های گذشته در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام پذیرفته از چند منظر محل توجه است؛ نخست این‌که تلاشی عجیب در این برنامه‌ها برای جا انداختن این مفهوم وجود دارد که کتاب محصولی است که رساندنش به دست مخاطب نیاز به تخفیف و یارانه دارد. در واقع در جان این اتفاقات گرچه چرخه نشر به ظاهر تکانی می‌خورد، اما روح خریداران و کتابخوانان در کشور با تداوم چنین برنامه‌هایی با این مفهوم پیوند می‌خورد که خرید کتاب یعنی کار پرضرر، چراکه قیمت‌های موجود به نوعی بالا و بدون یارانه است و زیر بار آن رفتن یعنی ضرر.

دولت فرانسه طی سال‌های اخیر طرحی را در دستور کار قرار داده که در آن دانشجویان کارت‌هایی را در اختیار خواهند داشت که در آن مبلغی یارانه فرهنگی برای بهره‌مندی از تمام برنامه‌های فرهنگی در این کشور در نظر گرفته شده و این کارت قابلیت ارائه در تمام پلتفرم‌های خرید کتاب، سینما، موسیقی و تئاتر وجود دارد. این اتفاق، هم مشوق حضور مداوم جوانان در عرصه‌های فرهنگی و هم مقوم چرخه اقتصادی فرهنگ در این کشور است و از سوی دیگر در روند کلی اقتصادی فرهنگ نیز دخالتی ندارد. سال‌هاست بسیاری از فعالان نشر، حمایت یارانه‌ای دولتی از فرهنگ به شیوه‌های جاری را مضر می‌دانند و اتفاقات تلخ در ماجرای نقدشدن بن‌کارت‌های کاغذی و الکترونیکی نمایشگاه کتاب تا شیوه‌های تازه‌ای که در طرح‌های فصلی برای استفاده ناصحیح (بخوانید نقد کردن) از یارانه‌های ارشاد وجود دارد همگی موید این مساله است که نگاه و سیستم‌هایی که در ایران با عنوان یارانه فرهنگی به‌ویژه در بخش کتاب طراحی و اجرا شده مضر و مخل ایجاد سیستم و چرخه اقتصادی صحیح فرهنگ در ایران است. جان کلام این‌که دولت‌ها در مقام سیاستگذار باید به این فکر کنند که چگونه می‌توان سرانه مصرف کالای فرهنگی را تقویت کرد. افزایش سرانه به معنای افزایش میل و نیاز به مصرف کالاست. شاید در دوره‌ای قیمت‌گذاری در این زمینه حرف اول را می‌زد، اما فراموش نکنیم بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی در کشور میل به مصرف کالاهای فرهنگی را صرف‌نظر از قیمت کاهش داده است. در واقع بحران این روزها عدم احساس نیاز به کالاهای فرهنگی صرف‌نظر از قیمت آن است.